



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

سفر به لاتین آمریکا

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
 أعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.
 الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولین والأخرین،
 مدد یا رسول الله، مدد یا ساداتی أصحاب رسول الله، مدد یا مشایخنا،
 شیخ عبدالله الفانز الداغستانی، شیخ محمد ناظم الحقانی، دستور.
 طریقتنا الصلبة والخیر فی الجمعیة.

خدا را شکر، صحیح و سالم رفتیم و برگشتیم. شکر به الله می توانیم سفر در سراسر دنیا دنبال قدم های مولانا شیخ (ق) برویم. الله (ما را) کمک کرد که از دورترین شرق به دورترین غرب و از دورترین شمال تا دورتر از جنوب سفر کنیم. یک تور انجام دادیم و با همت (حمایت معنوی) مولانا شیخ، برگشتیم. به اخوان (برادران و خواهران) بازدید کردیم و برگشتیم.

همیشه همت (حمایت معنوی) مولانا شیخ با ما ها در کال دنیا است. همت (حمایت معنوی) مولانا شیخ همه مشکلات را از بین برد زیرا مردم آنجا خیلی آگاه نیستند. با این حال، مولانا شیخ چنین همت (حمایت معنوی) کرد که همه آنها خوشحال بودند و (ما) نیز خوشحال بودیم.

در آنجا، آخرین کشور که به آن سفر کردیم، بخش جنوبی آمریکا است. آنها آن را آمریکای لاتین می نامند. لاتین به معنای آن است که جایی است که چیزی ربطی با مسلمان بودن وجود ندارد. یک مکان است که قبول نمی کند مسلمان بودن، اما این حکمت خداست که صدها هزار و میلیون ها مسلمان آنجا خواهد داشت. آنها چنین توانایی و چنین عشق به اسلام دارند.

مهم نیست که چقدر دشمنی این کافران اروپایی و آمریکایی نسبت به اسلام داشته باشد، این حکمت خداست که همه چیز آنها را فریب نمی دهد و هنگامی که آنها اسلام را می بینند، تعجب می کنند. هنگامی که آنها کمیته (کمیته استقبال) ما را در آنجا می بینند با عمامه ها (دستار، دولبند)، ابا (لبس)، به زمانه عربی (جبه) ها، و مردان ریش دار، آنها تعجب می کنند: "آیا ما شاید داریم خواب می بینیم؟" آنها فکر می کنند، "از کجا یک دقه این افراد بیرون آمدند؟" وقتی که ما ها در خیابان ها، ۵۰ تا ۱۰۰ افراد، همه در یک زمان به عنوان یک گروه ول میگردیم. برخی از آنها تعجب می کنند، "آیا ما داریم خواب می بینیم؟" و سپس آنها واقعاً لبخند می زنند و بهمان می گویند که خوش آمدیم. اگر در جایی مثل اروپا بود - آنها اکنون کاملاً وحشی شده اند - آنها با خشم قسم می خوردند و لعنت می کردند. اگر می توانستند شما را آنجا زنده نمی گذاشتند.

این حکمت خداوند است که با همت (حمایت معنوی) مولانا شیخ، این افراد با خلوص (پاکی، تمیزی، پاکیزگی، مطهری، تزکیه، معصومیت) خودشان، همه چیز را ترک می کنند و جای (مکان) جدای



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

برای الله می سازند. آنها یک روستای جداگانه (مندوزا، آرژانتین) را ساختند، بیرون رفتند (جای دیگر برای خودشان ساختند) و کلبه ها ساختند. بنابراین، الله جل جلاله (ﷻ) آنها را تنها ترک نکند و تعدادشان هر روز افزایش می یابد.

این، ماشاءالله، در جایی بود که مشهد گفت: "این مرد هرگز اذان صبح (فجر) فراموش نمی کند؟ پرسیدیم، "بچه کجاست؟" این مرد قبلاً مسلمان نبود و ۱۵، ۱ سالها پیش شروع کرد به آمدن. او خدماتی مثل باغبانی و غیره را ارائه داد. وی یک خانه داشت و می گفت: "اجازه بدهید خانه ام را بفروشم، چون من خوشحال هستم که بخشی از شما باشم. من با جامعه شما بسیار خوشحالم." وقتی که او آنجا آمد، در ابتدا کسانی که آنجا بودند او را خیلی دوست نداشتند و چیزهایی مثل "او مسلمان نیست" گفته بودند. چرا (ما) او را در میان ما گرفتیم؟ "این مرد، ماشاءالله، هرگز اذان صبح (فجر) را فراموش نمی کند. آنها می گویند: "این مرد اکنون بهتر از ماست. گاهی اوقات برای من سخت است، اما با اذان او برای نماز بیدار می شویم.

چنین زیبایی آنجا وجود دارد. بنابراین همت، همت و کرامت (هدیه های منوی) های مولانا شیخ هستند. در اینجا، اینها کرامت های اولیاء ها هستند. هنگامی که احترام به اولیاء ها وجود دارد، الله آنها را از میان انقدر کافر بیرون در میآورد. انشاءالله نیز یک نور برای کشورشان خواهد بود. هنگامی که این کشورها فتح می شدند، این کافران - جناح به نام انجمن عیسی (معروف به یسوعی ها و هم چنین ژروئیت ها) - راهبان که مدام های که مسیحی نبودند به عنوان انسان قبول نمی کردند. آنها میلیونها مرد را در آنجا کشتند و هیچکس از آن خبر نداشت. اما بعداً خودشان آن را نوشتند: "ما بسیاری از مردم را کشتیم. ما بسیاری از مردم را نابود کردیم!" این خرد خداست که آنها گناه خود را میپذیرند.

این یک سرزمین عظیم است. الله همه چیز را به آنها داد: آب، گاز، نفت، مواد معدنی، طلا، نقره و همه چیز، اما هیچ برکتی وجود ندارد. انقدر مردم در میان چنین ثروت زیادی هنوز گریه می کنند. گاهی اوقات آنها برای پیاده روی جمع می شوند و شرع می کنند به سوختند و نابود کردند. چرا؟ چونکه برکت با اسلام می آید. انشاءالله هنگامی که اسلام برسد، برکت آنجا خواهد آمد. در آن زمان برکت، صلح و راحتی برای آنها خواهد بود.

آنها هیچ راه دیگری ندارند، زیرا آنها همه راه های دیگر را امتحان کردند. آنها با سمت راست امتحان کردند، با فاشیست امتحان کردند، و آنها با سمت چپ امتحان کردند، با کمونیست ها امتحان کردند. آنها می گویند: "ما نزدیک فقر در میان انقدر فرصت های زیادی زندگی می کنیم." مطمئناً، هیچ سپاسگزاری (شکر، حق شناسی، سپاس، قدردانی) نیز وجود ندارد. هنگامی که ایمان وجود ندارد، هیچ ادب وجود ندارد و آنها نمی دانند چگونه عمل کنند. هیچ قدردانی وجود ندارد و زمانی که وضعیت این است، هیچ برکتی نیز وجود ندارد.

این چنین کرامت بزرگ مولانا شیخ (ق)، از شیوخ و اولیاء است که واقعاً اسلام را در آن زمان به آن قاره عظیم بردند. در واقع ما یک شاهد زنده بودیم: دیانت (اداره امور مذهبی ترکیه) به مسلمانان



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

آنجا کمک می کند. یک کارگر از دیانت مان وجود دارد که در زمان ماه رمضان آنجا رفت و گفت، "من با شما به مدت ده دقیقه میمانم و بعد مجبور هستم که بروم." مرد نشست و یک ساعت گذشت، دو ساعت گذشت، و نماز عصر خواهند و نماز مغرب خواهند و سریع افطار را شکست. انقدر این جماعت را دوست داشت، که نیز نماز تراویح (نماز سنت شب ماه رمضان) را خواهند (و پس از آن رفت. دیانت، اکنون هر سال ۱۰ قربانی به آنها می دهد. آنها در آرژانتین و در شیلی دارند می دهند. به چه کسانی آنها دارند می دهند؟ آنها دارند به درگاه های مولانا شیخ می دهند، و دارند غذا برای فقرا می پزند و پخش می کنند.

این تبدیل به یک خدمت و همت برای کسانی که آنجا هستند می شود. هر سکه که الله بخواهد به جایش می رسد، زیرا هیچ منفعت دنیوی در این طریقت وجود ندارد. اگر در مورد منفعت دنیوی صحبت کنیم از طریقت نیست و در طریقت وجود ندارد. منفعت دنیوی در سیاست است. چونکه طریقت مان در سیاست دخالت نمی کند، یک جور دیگر درگاه هامون جا های بسیار با فضیلت هستند.

آنها می گویند، "هر جای که سیاست وجود دارد، کثیف است!" بنابراین، طریقت در سیاست دخالت نمی کند. سیاست ها می آیند و مالش می دهند، اما ما هیچ ارتباطی با دنیا یا سیاست نداریم. همان طور که مولانا شیخ می گفت: "(شما) آن را در نوک دست ننگه می دارید و آن را پرتاب می کنید هنگامی که زمانش می آید." سیاست چنین بیماری است که مرد دنیا از بین می برد فقط براینکه بتواند مدیر یک روستا شود. مدیر یک روستا! وقتی مدیر شوید چه خواهد شد؟ اما در اینجا، ما این را به عنوان مثال نشان می دهیم که چگونه سیاست ها برای نفس یک نفر شیرین هستند. همه انواع فتنه و حيله گری رخ می دهند. باشد که الله به کسانی را در سیاست هستند قضاوت صحیح (عقل سلیم، خرد، فهم، شوهر، درک) و عقل (هوش) عطا کند.

به خصوص مردم طریقت نباید هیچ ارتباطی با سیاست داشته باشند. شما باید سیاست را برای مردم سیاست ترک کنید، و نباید دنبال این کار ها بروید (بدوید). گاهی اوقات آنها به ما می آیند و می گویند: "جامعه تان را جمع آوری کنید. صحبت خواهیم کرد." (ما) در سیاست دخالت نمی کنیم. می توانید اینجا در درگاه بیایید و برای تان دعا کنیم. این طوری است. با ادب میاید و با ادب میروید. این طوری است. هیچ چیز دیگری نداریم. خوست الله است و آنچه که الله می خواهد اتفاق می افتاد. بیا با صداقت و الله ممکن است (به شما) کمک کند.

مثال دیگر رئیس جمهور دنیا است. (ما) به او را رئیس جمهور دنیا می گویم زیرا همه او را تماشا می کنند. چه کسی رئیس جمهور آمریکا خواهد شد؟ ما در پاتاگونیا بودیم و از یک کانال تلویزیونی آمدند. روزنامه نگاران نیز آمده اند و گفتند: "ما می خواهیم یک مصاحبه انجام دهیم." در اینجا، سوال دوم در گفتگو: "آقا، انتخابات آمریکا بر سر راه است"، گفت. "سبحان الله! واقعاً آن را فراموش کرده بودم. (من) برای سه هفته اینجا بوده ام و هیچ خبری از دنیا ندارم. (ما) درباره این موضوع فراموش کردیم. چه اتفاقی افتاد؟ چه کسی برنده شد؟" پرسیدم. آنها گفتند: "نه، هنوز تمام نشده است. شروع نشده است. یک یا دو روز بیشتر باقی مانده است."



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

چه اتفاقی خواهد افتاد اگر این آقا انتخاب شود؟ اسم این مرد ترامپ است. به خدا اگر او انتخاب شود، خوش آمدید می گویم، یک لذت است. اگر الله آن را بخواهد، آن را در بالای سر ما است (مطمئننا لذت بخش است). او هیچ ارتباطی (ربطی) با ما ندارد: کشور ما متفاوت است و کشورش متفاوت است. اما اگر او انتخاب شود، خوب خواهد بود، و همانطور که الله می گوید، این خواهد بود. همه کافرها - کسانی که به ما حمله می کنند و شیپور (اعلام) شان در همه دنیا شنیده می شود - او رسانه ها را صدا کردند، به طور مداوم علیه این مرد نوشتند.

آنها می گویند: "این مرد منحرف (گمراه) است!" به یک مرد منحرف گفتند در یک جای مثل امریکا یعنی که آنها دارند اقل را از دست می دهند. آیا خجالت، ادب و تواضع (فروتنی، کم ادعایی) آنجا وجود دارند؟ آنها دارند همه انواع بدی به کال دنیا پرتاب می کنند، شبیه فاضلاب از همه جا، و سپس آنها به عنوان سرپرست های افتخاری به مرد حمله می کنند. از زمانی که دنیا خلق کرده است، هیچ وقت چیزی وابسته به پایین ترین درجه و منحرف تر از شما به انواع رسانه وجود نداشت. با این حال، تا زمانی که الله بخواهد، می توانند تا آنجا که می خواهند حمله کنند و دوباره همان طور که الله می فرماید

مرد بیرون آمد و در حال حاضر کل سیستم را، انشاءالله، برعکس میگذارد. اجازه دهید این کافران خواب خود را از دست بدهند و اجازه دهیم افرادی که این دنیا را دوست دارند ناراحت شوند. (ما) الله را داریم، (ما) ایمان داریم و هیچ کس نمی ترسیم. همه چیز برای ما ها خوب است تا زمانی که آنچه الله می گوید رخ می دهد. دوباره حدیث حضرت پیامبر مان (ﷺ) را می گوئیم. باید به آن ایمان داشته باشیم، به آن توجه کنیم و هرگز آن را فراموش نکنیم. در حقیقت، این خلاصه ای همه چیز است: "کسی که از الله می ترسد و از خالق ترس دارد، از کسی و هیچ چیز نمی ترسد."

چرا (ما) نمی ترسیم؟ زیرا همه چیز در دست خداست. اگر الله (ما را) باعث کند که بترسیم، او می کند که بترسیم. مردم دنیوی که از الله جل جلاله (ﷻ) نمی ترسند، ترس از مرگ کوچکترین چیزها دارند. آنها از همه چیز می ترسند. و به عنوان مردم ایمان، باید از الله بترسیم و هیچ چیز دیگری. مهم نیست اگر ترامپ می آید و یا بروک بیرون می رود. آنچه خداوند می گوید رج می دهد.

مولانا شیخ در سال های بعد چندین بار چیزی گفت. این نیز زیبا و بسیار زیبا بود: "خوب است برای ما و شر برای آنها است." از اکنون، انشاءالله، خوبی همیشه برای ما است. باشد که بدی (شر) برای آنها باشد، بر کافران، بر کسانی که به الله اعتقاد ندارند و کسانی که علیه الله جنگ می کنند. انشاءالله خداوند فریاد های خودشان را بر روی خودشان برگرداند. این آخر زمان است. (ما) منتظر کسی هستیم و آن ترامپ نیست. آن مهدی علیه سلام است. الله او را در اسرع وقت ظهور کند.

اسلام بر تمام دنیا حکومت خواهد کرد. وعده الله است، کلمه اوست. قبل از روز قیامت تمام دنیا مسلمان خواهد شد. در زمان مهدی علیه سلام و زمان عیسی (عیسی مسیح) علیه سلام. انشاءالله خداوند همه آن روزها را برای ما عطا کند. باشد همین طور که کشور (ما) نیز امن و تحت حمایت باشد. انشاءالله خداوند از این دشمنان، کافران، منافقان و از تمامی شرارت ها، محافظت کند.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

و من الله التوفيق.
الفتاحه

حضرت شیخ محمد محمت عادل
۱۱ سفر ۱۴۳۸، درگاه اکیابا، پس از حضرة